

جستاری در تعامل فرهنگ عامه و معماری: بازتاب معماری بومی در فضاسازی ادبیات شفاهی آذربایجان

الهام اندرودی*^۱ محمد شیخی نیلانلو^۲

(دریافت: ۱۳۹۶/۷/۹، پذیرش: ۱۳۹۷/۵/۱۵)

چکیده

فرهنگ عامه بازتاب باورها و آداب و رسوم مردم در تعامل با روش‌های زندگی بومی در مظاهر مختلفی از جمله ادبیات شفاهی است. همچنین معماری بومی به دست مردم در تعامل با جامعه و محیط طبیعی به وجود آمده و دارای ریشه‌های مشترک با فرهنگ عامه است. این مقاله به مطالعه فرهنگ عامه و معماری بومی با رویکرد میان‌دانشی پرداخته است. هدف از این پژوهش واکاوی بازتاب معماری بومی در سروده‌های عامیانه آذربایجان است. بدین منظور بیش از ۲۵۰۰ نمونه از دوبیتی‌ها، چیستان‌ها و ضرب‌المثل‌ها مطالعه شده‌اند و سروده‌هایی که به وصف معماری بومی پرداخته‌اند تحلیل شده‌اند؛ بدین ترتیب که بر پایه برداشت‌های میدانی چند روستای منتخب، بازتاب خصوصیات معماری بومی از جنبه دید و منظر، بافت پلکانی و فضاهای جمعی، بخش‌ها و عناصر خانه‌ها، و ساختار و جزئیات در فضاسازی سروده‌ها تشریح شده است. جمع‌بندی یافته‌ها نشان می‌دهد که فضای خانه همچون قلب زندگی به همراه تمامی عناصر و بخش‌های آن دارای بیشترین فراوانی موضوعی در میان سروده‌هاست. این پژوهش چنین نتیجه گرفته است که در سروده‌های عامیانه خصیصه‌های کالبدی معماری بومی با حالتی شاعرانه و یا با استعاره و کنایه توصیف شده‌اند. گویی سرایندگان ارزش‌های غیرملموس فضاها را درک کرده و

۱. استادیار دانشکده معماری پردیس هنرهای زیبا دانشگاه تهران (نویسنده مسئول).

* andaroodi@ut.ac.ir

۲. کارشناس ارشد مطالعات معماری ایران، دانشکده معماری پردیس هنرهای زیبا دانشگاه تهران.

آن‌ها را فراتر از عملکرد یا کالبد صرف، به مکانی بازتابنده فرهنگ زیست بومی تبدیل کرده‌اند. این پژوهش در رویکر آتی با طرح مشکل کم‌رنگ شدن خصوصیات وصف‌شده در سروده‌ها در معماری جدید بومی آذربایجان و فراموشی تدریجی سروده‌ها در ذهن نسل جدید، بر لزوم نگرش یکپارچه به حفاظت از مظاهر فرهنگی تأکید کرده است.

واژه‌های کلیدی: فرهنگ عامه، معماری بومی، ادبیات شفاهی آذربایجان، سروده‌های عامیانه، روستای پلکانی.

۱. مقدمه

فرهنگ عامه جلوه‌گاه ادبیات شفاهی است و به‌طور مستقیم بازتاب باورها، آداب و رسوم و زندگی روزمره عموم مردم است (احمدپناهی سمنانی، ۱۳۸۱: ۲۰۶). ادبیات شفاهی گنجینه ارزشمندی برای شناخت خصوصیات قومی و عقیدتی برگرفته از ویژگی‌های سرزمینی مردم فراهم می‌کند. فضای زندگی روزمره عامه مردم به شکل معماری بومی می‌تواند الهام‌بخش فرهنگ عامه و سروده‌های عامیانه باشد. فضای زندگی همچون بخشی از میراث مصنوع بومی، انعکاس فرهنگ جوامع و تنوع فرهنگ جهانی و نمایانگر رابطه مردم با محیط است (ICOMOS, 1999). میراث بومی به‌عنوان حافظه تاریخی اقوام هم شامل کالبد و بافت ساختارها و فضاها و هم شامل شیوه‌های استفاده و درک فضاها و سنت‌ها و ارزش‌های غیرملموس همراه با آن‌هاست (Nas, 2002). این تعبیر به‌درستی انگیزه لازم برای انجام پژوهش بر روی جنبه‌های غیرملموس معماری بومی به‌عنوان بخشی از میراث بومی و بازتاب آن در دیگر مظاهر فرهنگ عامه به خصوص ادبیات شفاهی را ایجاد می‌کند.

مسئله این پژوهش مطالعه معماری بومی با رویکرد میان‌رشته‌ای و پیوند زدن آن با ادبیات شفاهی در یکی از پهنه‌های متنوع فرهنگی ایران یعنی آذربایجان است. هدف از پژوهش حاضر، واکاوی چگونگی بازتاب معماری بومی در سروده‌های عامیانه آذربایجان است. ضرورت پژوهش در یافتن پیوندهای متقابل جلوه‌های مختلف فرهنگی است تا همچون مثالی برای جامع بودن فرهنگ عامه اقوام ایرانی از جمله آذربایجان به‌کار گرفته شود. اهمیت انجام این پژوهش واکاوی مثالی از خصیصه‌های

جستاری در تعامل فرهنگ عامه و معماری: بازتاب معماری بومی... _ _ _ _ _ الهام اندرودی و همکار

مشترک فرهنگی است که همانند ریشه‌ای تنومند دارای شاخه‌های به هم تنیده از مظاهر مختلف است.

در بخش دوم این مقاله، تعاریف پایه و پیشینه مطالعات مرتبط با فرهنگ، فرهنگ عامه، معماری بومی، روستاهای آذربایجان و ادبیات شفاهی این منطقه ارائه شده است. بخش سوم به معرفی روش تحقیق اختصاص داده شده است. در بخش چهارم یافته‌های حاصل از مقایسه سروده‌های شفاهی به دو زبان ترکی آذری و فارسی با معماری بومی روستایی در پنج دسته کلی دید و منظر، فضاهای عمومی و طبیعی، فضاهای جمعی و نیمه‌خصوصی، فضاهای مسکونی، و عناصر معماری و سازه ارائه شده است. بخش پنجم به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری اختصاص دارد.

۲. روش پژوهش

هدف مقاله پیش رو، واکاوی بازتاب معماری در سروده‌های عامیانه آذری است. پرسش عمده پژوهش بدین شکل مطرح می‌شود: آیا میان دو جلوه مختلف فرهنگی یعنی معماری بومی و ادبیات شفاهی ارتباطی وجود دارد؟ به‌طور ویژه خصوصیات کالبدی معماری بومی در روستاهای آذربایجان چه تأثیری بر ادبیات شفاهی گذاشته است؟ با مطالعه سروده‌های عامیانه آذربایجان چه مشخصاتی از معماری بومی بر ما آشکار می‌شود و کدام جنبه‌ها نسبت به دیگری برتری دارند؟

روش گردآوری اطلاعات به شکل کتابخانه‌ای و برداشت میدانی و انجام مصاحبه است. مطالعات کتابخانه‌ای به بررسی تعاریف و مفاهیم پایه از روی منابع داخلی و ادبیات جهانی می‌پردازد و تعاریفی همانند فرهنگ، فرهنگ عامه، معماری و معماری بومی را بررسی می‌کند. تمرکز ویژه این پژوهش بر روی ادبیات شفاهی آذربایجان است و بیش از ۲۵۰۰ سروده از میان ادبیات شفاهی آذربایجان مطالعه شده است و از میان آن‌ها بیش از ۴۰۰ سروده - که زندگی در کالبد روستایی را در فضاسازی خود منعکس می‌کنند - فیش‌برداری و به زبان فارسی ترجمه شده است. در برداشت میدانی، روستاهای آذربایجان به‌عنوان مرجع اصلی معماری بومی مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. پس از مرور پژوهش‌های موجود در رابطه با روستاهای آذربایجان، ابتدا نمونه‌های

موردی از روستاهای پلکانی منطقه اهر و هوراند - که در دامنه کوه قرار گرفته‌اند - شناسایی و صفت‌های کالبدی این روستاها بررسی شده‌اند. برای مطالعه دقیق، نگارندگان از روستاهای اینجار^۱، نیق^۲، کورن^۳ و هوای^۴ در دهستان دودانگه بازدید کرده‌اند. از میان این روستاها، روستای کورن با مختصات 711234 m E و $m N$ ۴۳۱۴۲۷۴^۵ انتخاب شده است. بدین منظور، فضای زندگی و حضور روستاییان در بافت مسکونی روستای کورن برداشت میدانی و تحلیل شده است. ابزار تحقیق شامل مدارک تصویری کالبدی روستای منتخب و مصاحبه شفاهی با نسل قدیم و جدید آذربایجان است. مطالعه تطبیقی انجام‌شده شامل بررسی صفات تشریح‌شده در ادبیات شفاهی و انطباق آن با فضای کالبدی و طبیعی روستاست.

۳. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های مختلفی به تأثیرپذیری معماری از ادبیات پرداخته‌اند. برای مثال سلطان‌زاده (۱۳۷۷) معماری و شهرسازی را به روایت شاهنامه در قرن ۴ هجری بررسی کرده است. همچنین شایسته‌فر (۱۳۸۸) تعامل معماری و شعر فارسی را در بناهای عصر تیموری و صفوی به صورت کتبی‌ها و تزیینات دارای اشعار مکتوب معرفی کرده است. امین (۱۳۸۱) پیوند هنر معماری و هنر شعر در ماده تاریخ‌سازی به خصوص بهره‌گیری از ادبیات منظوم در کتبی‌های آثار تاریخی را بررسی کرده است. دیباج (۱۳۸۲) در کتاب شعر و خانه ما معماری را در ادبیات معاصر جست‌وجو کرده و شایگان (۱۳۹۳) چهره شاعرانه ایرانیان و وجوه مثبت و منفی شعر در زندگی فردی و اجتماعی انسان ایرانی را تشریح کرده است. در پژوهش دیگری استحکامات معماری از روی سفرنامه ناصرخسرو توصیف شده (حسینی‌زاده و ذبیح‌نیا، ۱۳۹۲) یا وصف باغ ایرانی در غزل شعر ایرانی واکاوی شده است (بهشتی، ۱۳۸۷)؛ اما به طور مستقیم رابطه میان فرهنگ عامه و معماری در پژوهش‌های اندکی بررسی شده است. برای نمونه می‌توان به توصیف حمام‌های ایرانی از روی ضرب‌المثل‌های فارسی در پژوهش طبسی (۱۳۹۵) اشاره کرد. با وجود پژوهش‌های مختلف در مورد فولکلور آذربایجان همانند «بررسی و تحلیل فرهنگ عامیانه (فولکلور) در اشعار ترکی عاصم اردبیلی» (سروری، ۱۳۹۴)، پیوند میان

جستاری در تعامل فرهنگ عامه و معماری: بازتاب معماری بومی... _الهام اندرودی و همکار

ادبیات شفاهی و معماری بومی روستایی آذربایجان در پژوهشی میان‌رشته‌ای یافت نشده است.

۴. چارچوب نظری و پیشینه موضوع

۴-۱. واکاوی تعاریف مرتبط با فرهنگ عامه و معماری بومی

گام نخست این پژوهش به دنبال مرور ادبیات جهانی و دیدگاه‌های متفکران داخلی در تعاریف فرهنگ عامه و معماری بومی جهت یافتن نشانه‌های تعامل میان این دو است. با وجود تعاریف مختلف ارائه شده از فرهنگ از قرن نوزدهم تا به امروز، لزوم ارجاع به تعاریف مهم پایه ضروری به نظر می‌رسد. از میان تعاریف‌های جهانی موجود، مردم‌شناسان تعریف ادوارد تیلور^۶، در سال ۱۸۷۱ را جامع‌تر دانسته‌اند: «همه آن کل پیچیده که دربرگیرنده دانش، عقیده، هنر، اخلاق، قانون، عادات و هر قابلیت یا عادتی که بشر به عنوان عضوی از جامعه برای خود کسب کرده باشد، فرهنگ نام دارد» (جعفری، ۱۳۷۸: ۵۵). ساترلند^۷ و وودوارد^۸ (۱۹۴۰) در بسط تعریف فرهنگ آورده‌اند: «فرهنگ شامل هر آن چیزی است که بتواند از نسلی به نسلی فرا رسانده شود. فرهنگ یک قوم میراث اجتماعی آن است» (آشوری، ۱۳۸۶: ۵۳). در ادبیات داخلی، محمد منصور فلامکی در تعریف فرهنگ می‌گوید:

فرهنگ که در زبان فارسی کامل‌ترین و زیباترین ریشه و ترکیب لغوی را (در مقایسه با زبان‌های اروپای مرکزی) داراست و چنان که پیش‌تر دیده‌ایم، عناصر «فر» و «هنگ» را در دل دارد، نمایاننده پویایی و تعالی است و به زبان ما، دست یازیدن به هر چه والا است دانسته می‌شود و این معنا، با سکون و رخوت، بیگانه است (۱۳۸۵: ۵۹۹، ۶۰۰).

همچنین، متفکران معاصر ایرانی تعریف فرهنگ را با جست‌وجوی رفتار معنوی هر انسان غنا بخشیده‌اند. علامه جعفری فرهنگ را کیفیت یا شیوه بایسته و شایسته برای آن دسته از فعالیت‌های حیات مادی و معنوی انسان‌ها می‌داند که مستند به طرز تعقل سلیم و احساسات تصعیدشده آنان در حیات معقول تکاملی باشد (جعفری، ۱۳۷۸: ۶۲). یکی از

تعاریف پرمعنای فرهنگ که بر ارتباط میان انسان و محیط تأکید کرده به دست سید محمد بهشتی با این مضمون ارائه شده است: فرهنگ

دانایی حاصل از تعامل تاریخی انسان با زیستگاهشان است. ... اهل هر فرهنگ با تکیه بر این دانایی است که توانسته‌اند نسل‌های متمادی در جایی زندگی کنند و مبتنی بر این دانایی است که توانسته‌اند رازهای محل زندگی‌شان را بگشایند و معادلات زیستی آنجا را حل و فصل کنند و اساساً بتوانند در وهله نخست بقا و در شرایط بهتر سعادتشان را تأمین کنند (بهشتی، ۱۳۹۴: ۱).

بدین ترتیب در تعاریف فرهنگ، تعامل با جامعه و محیط زیست برای برآوردن نیازهای مادی و معنوی و بروز جلوه‌های مختلف به شکل آداب و رسوم، باورها، و سنت‌ها مود توجه قرار گرفته است. اما فرهنگ عامه بر کدام وجه از فرهنگ تأکید دارد؟ پناهی در نوشتاری پس از مرور تعاریف فرهنگ و عامه آورده است که پژوهشگر فرهنگ عامه (معادل فولکلور)، نه تنها به مجموعه ادبیات عامه (قصه‌ها، افسانه‌ها، آوازه‌ها، ترانه‌ها، مثل‌ها، معماها، لطیفه‌ها) می‌پردازد؛ بلکه تمام سنت‌ها، عادت‌ها، مشاهدات، باورداشت‌ها و آیین‌هایی را که در حیات پیش از تاریخی و تاریخی هر قوم جاری بوده و با اشکال و دگرگونی‌های متنوع، غالباً به صورت شفاهی از نسلی به نسلی سپرده شده است، موضوع جست‌وجو قرار می‌دهد. وی ادامه می‌دهد که این دستاوردها در دانش‌های گوناگون به کار می‌آید؛ همانند تاریخ، جغرافیا، مردم‌شناسی، باستان‌شناسی، معماری و غیره (پناهی، ۱۳۸۱: ۲۰). بنابراین، وجه شفاهی فرهنگ عامه متأثر از زندگی در محیط زیست بومی دارای اهمیت بوده و به شکل ادبیات شفاهی سینه به سینه منتقل شده است.

یکی از جنبه‌های مهم شکل‌دهنده بستر شکل‌گیری زندگی روزمره عموم مردم در محیط طبیعی معماری بومی^۹ است. معماری بومی با احترام به رسوم و سلیقه‌های زاده از فرهنگ محیطی شکل گرفته است (آلپاگونولو و همکاران، ۱۳۸۴: ۱۷). معماران و خالقان معماری بومی هنرمندان ناشناسی هستند که سعی در فتح طبیعت ندارند؛ بلکه خود را با طبیعت وفق می‌دهند. با پستی و بلندی‌های زمین حرکت می‌کنند، به تنوع آب و هوا و محدودیت‌های محیط طبیعی احترام می‌گذارند و از آن‌ها برای خلق معماری کمک می‌گیرند (Rudofsky, 1964: 4). معماری بومی دارای خطوط ارتباطی مستقیم،

جستاری در تعامل فرهنگ عامه و معماری: بازتاب معماری بومی... _ _ _ _ _ الهام اندرودی و همکار

بی‌واسطه و محکمی با فرهنگ توده‌ها و با زندگی روزمره آنهاست (زرگر، ۱۳۹۰: ۹). مردم بومی که سازنده این نوع از معماری هستند با سادگی پالایش‌شده مبتنی بر قابلیت‌های بستر طبیعی و بر اساس باورها و سنت‌های محلی سرپناهی برای آسایش خود فراهم می‌سازند تا در آن آرام گیرند. بدین ترتیب، معماری بومی می‌تواند بستر الهام‌بخشی برای مظاهر مختلف فرهنگ عامه باشد و در ادبیات شفاهی منعکس شود. این پژوهش بر روی معماری روستایی به‌عنوان زیرمجموعه‌ای از معماری بومی تمرکز کرده است.

۲-۴. مروری بر ادبیات شفاهی آذربایجان

یکی از جنبه‌های مهم فرهنگ عامه سروده‌های شفاهی و فولکلور است. کلمه فولکلور مرکب است از دو جزء فولک^۱ و لور^۱ که جزء اول مردم، توده، عام، خلق ترجمه شده است و بخش دوم دانش، آگاهی، دانستن، حکمت و معلومات (بیهقی، ۱۳۶۵: ۱۸). برخی از محققان، فرهنگ ایلات و عشایر مردم کوهپایه‌نشین و روستاهای دور از شهر را فولکلور دانسته‌اند. گروهی به فرهنگ جوامع قدیم و مردم ابتدایی توجه کرده‌اند؛ در حالی که باید گفت، فولکلور در بین تمام جوامع است. مردم شهرها هم مانند روستانشین‌ها از فولکلور بهره می‌برند. حتی مردم شهرهای صنعتی و کشورهایی که تاریخ کهن ندارند نیز دارای فرهنگ عامه هستند (همان، ۱۸).

تمرکز این پژوهش بر روی ادبیات شفاهی یا فولکلور و سروده‌های عامیانه آذربایجان است. فولکلور آذربایجان بنا به علل مختلف^۲، آثار بسیار غنی و پرشاخ و برگ از ادبیات شفاهی در بردارد. ادبیات فولکلور آذربایجان شامل انواع مختلفی مانند اساطیر و افسانه‌ها، مثل‌ها (آتالار سوزی)، داستان‌ها، چیستان‌ها (تاپماجاها) و لطایف ادبی می‌شود که می‌توان آن‌ها را در دو قالب کلی ترانه‌های بومی آذربایجان با عنوان قوشماها (شامل انواع شعرهای عامیانه مانند بایاتی‌ها، ماهنی‌ها، لایلاها و غیره) و داستان‌ها (شامل داستان‌های کهن، باغلاماها، تعریف‌نامه‌ها و منظومه‌های دیگر که توسط آشیق‌ها نقل می‌شوند) دسته‌بندی کرد. درواقع، شالوده ادبیات آذربایجان بر فولکلور بنا شده است (رحمانی‌فر، ۱۳۷۹: ۱۳۵-۱۳۷). فولکلور آذربایجان انعکاس شیوه

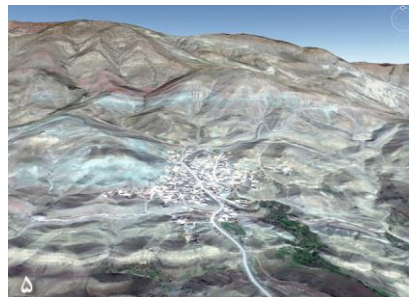
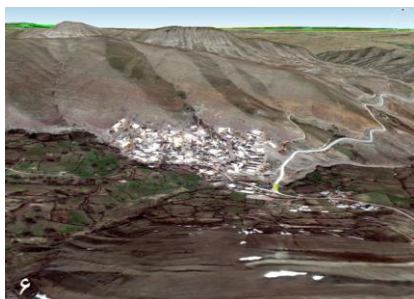
زندگی مردم بومی و باورها و سنت‌ها، آرزوها و افکار درونی آنهاست و گنجینه ارزشمندی درباره شناخت مظاهر فرهنگی آذربایجان از جمله معماری بومی فراهم می‌سازد. این پژوهش بایاتی‌ها، چیستان‌ها و ضرب‌المثل‌های آذربایجان را برای یافتن توصیف‌های معماری بومی مطالعه کرده است.

۳-۴. معماری بومی آذربایجان

در این پژوهش معماری روستایی به‌عنوان یکی از جلوه‌های اصلی معماری بومی در منطقه آذربایجان مورد تمرکز قرار گرفته است. روستاهای پلکانی منطقه آذربایجان اغلب در دامنه کوه رو به آفتاب جنوب و مزارع سرسبز به شکل روستای پلکانی^{۱۳} شکل گرفته‌اند (تصویر ۱).



جستاری در تعامل فرهنگ عامه و معماری: بازتاب معماری بومی... _____ الهام اندرودی و همکار



تصویر ۱: موقعیت روستاهای واقع بر روی دامنه کوه رو به جنوب. روستای ژنوزق (۱)، روستای اوشتبین (۲)، روستای اینجار (۳)، روستای نیق (۴)، روستای هوای (۵)، روستای کورن (۶) (مأخذ: Google Earth).

راهب (۱۳۹۳: ۹۶) در پژوهش خود، خصوصیات بافت مسکونی روستایی این منطقه را این گونه برمی‌شمارد:

- بافت به هم فشرده به دلیل سرمای هوا؛
 - تناسب نزدیک به مربع حوزه مسکونی، فرم ساختمان مکعب فشرده بر روی سکو، اغلب دو طبقه با اختصاص طبقه همکف به خدماتی و نگهداری دام؛
 - سقف مسطح و اغلب فاقد جان‌پناه، ایوان در اطراف طبقه اول، وجود فضای رابط به شکل دهلیز میان ورودی و سایر فضاهای مسکونی، پلکان در بیرون ساختمان و تنورخانه؛
 - سازه متداول دیوار باربر سنگی یا خشتی قطور با سقف تیرپوش چوبی.
- همچنین، نقابی (۱۳۹۳) معماری بومی منطقه آذربایجان شرقی را در چهار روستای تاریخی بررسی و صفاتی همانند تأثیر جبر محیط بر معماری و بافت منطقه و تأثیرپذیری از مصالح بومی را مطالعه کرده است.

۵. تحلیل داده‌ها: بازتاب معماری بومی روستاهای پلکانی در فضاسازی بایاتی‌ها، ضرب‌المثل‌ها و چیستان‌های آذربایجان

در نتیجه‌گیری از مطالعات وابسته به معماری بومی روستاهای آذربایجان و برداشت میدانی در روستاهای منطقه هوراند، معماری بومی روستا از جنبه‌های مختلفی تحلیل پذیر است: ریخت کلی در ترکیب با طبیعت و دید و منظر، فضاهای عمومی و

سبز، فضاهاى جمعى و نیمه‌خصوصى، فضاهاى مسكونى، و عناصر معماری و سازه‌ای. این بخش از پژوهش در جست‌وجوى بازتاب این خصوصیات در فضاى سازه‌ای سروده‌هاى شفاهى برداشت‌شده از میان بایاتى‌ها، ضرب‌المثل‌ها و چیستان‌هاى آذربایجان است. این بخش از مقاله هر دو جنبه مورد مطالعه يعنى سروده‌ها و خصیصه‌هاى معمارانه را در پنج دسته کلی به شرح زیر تشریح کرده است.

۵-۱. ریخت کلی روستا در ترکیب با طبیعت و دید و منظر

ارتباط میان روستا، کوهستان، دره و مزارع، آفتاب و دید و منظر روستای پلکانی بدین ترتیب در ادبیات شفاهى تصویر شده است (نک: تصویر ۲).



تصویر ۲: منظر کلی روستای کورن و باغ‌ها و مزارع کوهپایه‌ای از جاده هوراند-کورن (مأخذ: <http://sh-horand.blogfa.com/post/63>).

بافت پلکانی واقع در جنوب کوه (مأخذ: نگارنده دوم).

بایاتى‌ها:

بوکنـدین سـؤزو برى	آرخـا داغ، دوزو برى
یوز ایل حسـرتیندهـیم	بویلانـا گـؤزو برى

(احمدی، ۱۳۸۸: ۷۱۱)

جستاری در تعامل فرهنگ عامه و معماری: بازتاب معماری بومی... _____ الهام اندرودی و همکار

برگردان: در پشت روستا کوه واقع است (موقعیت جایگیری روستا در دامنه کوه)، و سمت دیگر روستا رو به زمین‌های هموار (مزارع و زمین‌های قابل کشت) است، صد سال است که در حسرتم تا چشمان یار به سمت من نظاره‌گر شود.

ائـولـری تـپـه کـنـدی قـیـز یـل دـان سـیـنـه بـنـدی
چـیـخـارـام یـار گـورونـمـه ز یـیـخـارـام بـلـه کـنـدی
(مصاحبه شفاهی، ۱۳۹۴)

برگردان: خانه یار در روستایی واقع است که بر دامنه تپه‌ای رو به بالا کشیده شده است (اشاره به روستای پله‌ای مناطق کوهستانی آذربایجان) و گردن‌بند یار از جنس طلاست. وقتی از پایین تپه به سمت خانه یار - که در بالادست تپه بنا شده است - می‌روم، خانه یار دیده نمی‌شود. این چنین روستایی خراب شود.

شـمـالـدان بـیـر یـل اسـدی صـبـری قـرـار یـم کـسـدی
سـاغ گـوزوم سـنـه قـوربـان سـول گـوزوم مـنـه بـسـدی
(مصاحبه شفاهی، ۱۳۹۴)

برگردان: از جانب شمال بادی (اشاره به باد نامطلوب که در جهت‌گیری روستاها نقش مهمی دارد) وزید که تحمل و توانم را برید. چشم راست من فدای تو باشد؛ زیرا چشم چپم برایم کافی است.

لـه لـه بـیـر کـوما تـیـکـدی اوزونـو گـونـه تـیـکـدی
ایـچـیـنـیـن صـاحـیـی یـوخـدو بـیـلـمـدی کـیـمـه تـیـکـدی
(احمدی، ۱۳۸۸: ۲۹۸)

برگردان: «له له» یک بنا ساخته است، جهت‌گیری آن به سمت جنوب است؛ در حالی که کسی نیست از آن استفاده کند. او خودش هم نمی‌داند که به چه منظوری دست به این کار زده است (علاوه بر اشاره به جهت جنوب به عنوان بهترین جهت‌گیری بنا، به امکان سنجی قبل از خانه‌سازی اشاره دارد).

ضرب‌المثل‌ها:

- آغاجلی کندی سئل باسماز (وفایی، ۱۳۷۴: ۱۷).

برگردان: روستای پردرخت از سیل تخریب نمی شود (نقش پوشش گیاهی در تثبیت خاک و جلوگیری از جاری شدن سیلاب‌ها).
- آغاجی چوخ اولان کندین قبری آز اولار (همان‌جا).
برگردان: روستای پر از درخت تعداد قبرهایش کم است (اعتقاد به درختکاری و طول عمر شخص درختکار).

فضاهای عمومی و طبیعی

عناصر طبیعی همانند جویبار، نهر، درختان و مزارع و فضاهای ارتباطی همانند پیاده‌راه‌ها و کوچه‌ها بدین ترتیب در ادبیات شفاهی توصیف شده‌اند (نک: تصویر ۳).



تصویر ۳: جوی‌های آب پای کوه و باغ‌ها و مزارع کنار خانه‌ها (۱)، سبزی‌کاری (نعناع) داخل بافت روستا و کوچه‌ها (۲)، دید و منظر از ایوان خانه به مزارع سرسبز (۳) (مأخذ: نگارنده دوم).

بایاتی‌ها:

باغ نانا، باغچا نانا

یؤل اوسته باغچا نانا

دویونجا باخ جانانا

عؤمور حسرتلی گؤزوم

(احمدی، ۱۳۸۸: ۷۰۷)

جستاری در تعامل فرهنگ عامه و معماری: بازتاب معماری بومی... _____ الهام اندرودی و همکار

برگردان: برسر راه دسته‌های گیاه نعنای روییده است. باغچه‌ای از نعنای، باغی از نعنای روییده است (اجازه دادن به روییدن گیاهان زیبا، دارویی و خوش‌عطر در اطراف راه). دیدگان یک عمر منتظر من، حال ابه جانان خود، دل سیر نظاره کن.

کوچه ده بیتـــر ســـؤیود یارپاقی گـــؤم-گـــؤی ســـؤیود
کیچیک جه بیر یار ســـؤدیم خدام اونو تئز بـــؤیود
(همان، ۱۱۵)

برگردان: درخت بید در کوچه می‌روید (سایه‌اندازی)؛ بیدی که برگ‌های خیلی سبزی دارد. کسی که من دوستش دارم فعلاً کم سن و سال است، خدایا هرچه زودتر او را بزرگ‌تر کن.

قاپی قاپی باخار آراسیندا ســـو آخار
سن تک نازلی دلبـــرین هامی دالینجا باخار
(همان، ۶۰۸)

برگردان: (در یک کوچه) ورودی خانه‌ها روبه‌روی هم در دو طرف هستند و از وسط کوچه آبی روان است. همه در پی دلبری نازنین چون تو، نظاره‌گرند.

۲-۵. فضاهای جمعی و نیمه‌خصوصی

فضاهای نیمه‌عمومی که از معبر عمومی جدا شده‌اند همانند راه باریک تا آستانه در یا راه بن‌بست، و سکوی کنار در، فضای نیمه‌خصوصی دربند (که اغلب چند در ورودی بدان باز می‌شود)، سکوها و یا به بیانی دیگر فضای پیرنشین به شکل صفاهایی از جنس تخته سنگ، محل جمع شدن و گفت‌وگوی اهالی روستاست و بدین ترتیب در ادبیات شفاهی فضا سازی شده است (نک: تصویر ۴).



تصویر ۴: دم در برای نشستن (۱)، معبر نیمه خصوصی بن بست (۲)، پشت بام خانه برای خشک کردن علوفه (۳) (مأخذ: نگارنده دوم).

بایاتی‌ها:

قیزیـل گـولی اکرلـر	مخمـر اؤسـته سـره لـر
گلـمه بیـزیم در بنـده	سـنیلن منـی پیچـرلـر

(مصاحبه شفاهی، ۱۳۹۴)

برگردان: گل محمدی را روی مخمری پهن می‌کنند تا خشک شود (پشت بام یا ایوان)، به دربند ما وارد نشو؛ زیرا هم تو را می‌کشند و هم من را (اشاره به فضای خصوصی دربند دارد).

اوتورموشـدوم سـکیده	اوره گـیم سـک سـکیده
اوچ قیزیـل آلمـا گلـدی	بیـر قیزیـل نعلبکیـده

(احمدی، ۱۳۸۸: ۱۸۸)

جستاری در تعامل فرهنگ عامه و معماری: بازتاب معماری بومی... _____ الهام اندرودی و همکار

برگردان: روی سکوی دم در نشسته بودم (بیشتر عصرها و یا هنگامی که کارهای خانه انجام می‌شد، روی سکوها نشسته و استراحت می‌کردند و همسایه‌ها در آنجا با یکدیگر صحبت می‌کردند). پر از دلهره بودم. ناگهان داخل یک سینی طلایی سه عدد سیب طلایی آمد.

۳-۵. فضاهای مسکونی



تصویر ۵: دالان‌های ورودی در خانه‌های روستا از بیرون به داخل (۱)، از داخل دالان (۲)، از داخل به بیرون (۳) (مأخذ: نگارندگان).

۱-۳-۵. حوزه ورودی

در ورودی، دالان، هشتی (در نمونه‌های معدود) رابط میان بیرون و درون خانه است و بدین شکل توصیف شده است (نک: تصویر ۵).

بایاتی:

دالان آلتی دروازا بگلر گئدیر نامـازا
من سنی گیزلین سئودیم نه تئـز سالدین آوازا
(احمدی، ۱۳۸۸: ۸۷۲)

برگردان: پایین دالان (راهرو ورودی خانه به دربند و کوچه خصوصی) همچون دروازه می‌ماند. بزرگان برای اقامه نماز می‌روند. عشقمان پنهانی بود، چه زود آن را آوازه همه کردی.

ضرب‌المثل‌ها:

- آچیق قاپونین مین عیبی وار، باغلی قاپونین بیر عیبی (وفایی، ۱۳۷۴: ۸).
برگردان: در ورودی اگر بسته باشد، یک عیب به‌شمار می‌رود، ولی اگر باز باشد هزار عیب است (اشاره به اهمیت حفظ محرمیت و سلسله مراتب دارد).
- آرابانی اولچ، دروازانی تیک (همان، ۱۱).
برگردان: ارابه (درشکه، وسیله حمل بار و غیره) را اندازه بگیر، سپس به ساختن دروازه ورودی اقدام کن (رعایت اندازه‌ها و مقیاس مناسب هنگام معماری بنا).

۵-۳-۲. حوزه باز و نیمه‌باز جمعی

ایوان، فضای جنبی ایوان و پشت بام در واحدهای پلکانی، ایوان‌های به هم چسبیده و رو به جنوب و ایوان‌های به هم متصل و گسترش یافته دورتا دور حیاط در سروده‌های زیر فضاسازی شده‌اند (نک: تصویر ۶):

بایاتی‌ها:

دام اوسده دیر دامی میـز قوشـادیر ایوانیمیز
سن اوردان باخ، من بـوردان کور اولسون دوشـمانیمیز
(احمدی، ۱۳۸۸: ۷۵)

جستاری در تعامل فرهنگ عامه و معماری: بازتاب معماری بومی... _____ الهام اندرودی و همکار

برگردان: خانه‌های ما به صورت پله پله‌ای روی همدیگر بنا شده است. ایوان خانه‌هایمان به هم نزدیک و چسبیده است. تو از ایوان خود و من از ایوان خود به هم نگاه می‌کنیم به کوری چشم بدخواهانمان.

ایوان گوللو اولاییدی گول سونبوللو اولاییدی
کاشکی سئودیم گوزهل شیرین دیللی اولاییدی
(مصاحبه شفاهی، ۱۳۹۴)

برگردان: ایوان پر از گل‌های سنبل و سرشار از شکوفه‌هاست. ای کاش زیبارویی که من دوستش دارم شیرین‌زبان نیز باشد.

ایوان آلتی سکی دیر، آلتی پیله سکی دیر
ملت یالان دانیش‌ماز یالان دؤولت حقی دیر
(احمدی، ۱۳۸۸: ۹۸۲)

برگردان: پایین ایوان سکو برای نشستن است؛ سکوهایی که با پله‌هایی به زمین وصل‌اند (ایوان با منظره‌ای جالب و پر از گل و گیاه سکوهایی برای نشستن اهالی دارد). دروغ کار دولت‌مردان است نه کار مردم عادی.

من عاشیقم، یای دامی ائلر تیکدی یای دامی
قیش قاپینی آلبیدی نظاملایان یای دامی
(همان، ۴۷۱)

برگردان: ایل‌ها و مردم خانه تابستان‌نشین بنا می‌کنند. زمستان تا دم در را فرا گرفته و با سپاه خود (برف و یخبندان) خانه تابستان‌نشین را احاطه کرده است.

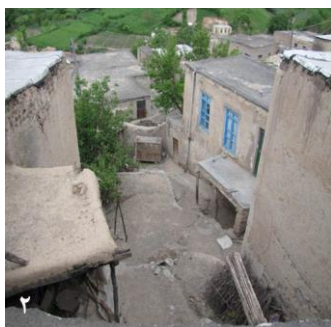
قیزیل گولو دره‌رم، ایوان اوسسته سره‌رم،
داما بوغدا سررلر، چیخما بویون گؤره‌لر
(همان، ۷۷۲)

برگردان: گل محمدی را در ایوان یا بالای بام ایوان پهن می‌کنند و گندم را پشت بام بناها. پشت بام بدون شیب و قوس برای نشستن، خشک کردن ذخیره‌های غذایی و غیره استفاده می‌شود.

چیستان:

– تاپماجا (چیستان): آلچاق دامنان قار یاغیر «الک» (مصاحبه شفاهی، ۱۳۹۴).

از بام کم ارتفاع برف می بارد (الک و غربال) (در مناطق سرد کوهستانی آذربایجان به دلایل اقلیمی سقف ها کم ارتفاع است که بنای کم ارتفاع طبق این معما با برف و سرما عجین شده است).



تصویر ۶: بافت پلکانی روستا و ایوان های به هم پیوسته به عنوان فضاهای نیمه جمعی (۱)، فضاهای الحاقی در خانه که به صورت پله ای دور تا دور حیاط احداث می شود (۲)، حیاط کوچک با ایوان های متصل به هم (۳). (مأخذ: نگارنده دوم)

۳-۳-۵. حوزه مسکونی

اجزاء خانه مسکونی همانند زیرزمین یا طبقه همکف مخصوص انبار یا احشام، طبقه بالای آن برای نشیمن و پذیرایی از مهمان با صفات زیر در ادبیات شفاهی تشریح شده است (نک: تصویر ۷):

ضرب المثل:

- گوزهل ائویم گنج ائویم، هر بوجاقدان دینج ائویم (وفایی، ۱۳۷۴: ۱۸۲).

جستاری در تعامل فرهنگ عامه و معماری: بازتاب معماری بومی... _____ الهام اندرودی و همکار

برگردان: خانه زیبای من گنج من، که از هر گوشه و کناری دنج و مایه آرامش است (اشاره به مأمن آسایش و آرامش بودن خانه و ملاک راحتی در طراحی به عنوان برترین ملاک).

بایاتی:

آلت زثرزمی، اوست اوتاق یئل اسدی سیندی بوداق
سن اوردان باخ من بوردان هاچانا تک قان اوداق؟
(احمدی، ۱۳۸۸: ۷۰۹)

برگردان: زیرزمین در پایین و اتاق در بالا قرار دارد (فضایی به عنوان زیرزمین در اقلیم سرد ضرورت دارد. این فضا نه برای زندگی، بلکه اغلب نقش انباری یا در مواردی طویله دارد). بادی وزید و بوته‌ها را شکست. تا کی من و تو باید از هم جدا بمانیم؟

ضرب المثل:

- ایکی اوتاق بیر قفه خانا؛ دالاری صاندیق خان (مصاحبه شفاهی، ۱۳۹۴).
برگردان: دو اتاق و یک هال (فضای تقسیم و با کاربری آشپزخانه) میان این دو، و فضای پشتی اتاق‌ها به عنوان انباری (اغلب لحاف و تشک اضافی و در مواردی وسایل و خوراک خشک را در آن ذخیره می‌کردند).

ناپماجا:

عاشیقم بیر بویدا دیر، بو بی دا، او بوی دا دیر،
آتامین دؤرد گلینی، دؤردوده بیر بویدادیر (اثوین بوجاقلاری)
(احمدی، ۱۳۸۸: ۸۳۶)

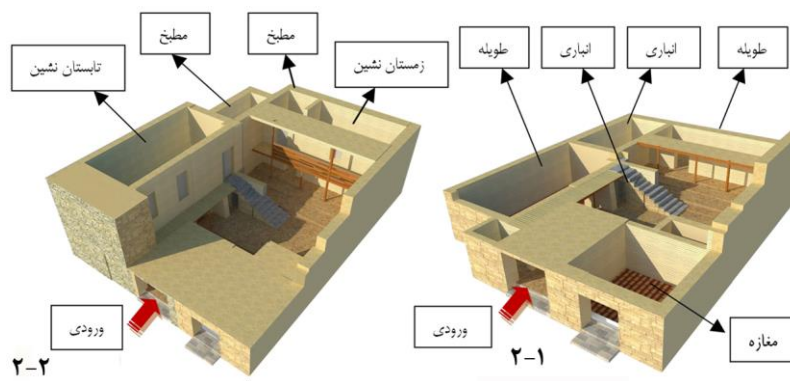
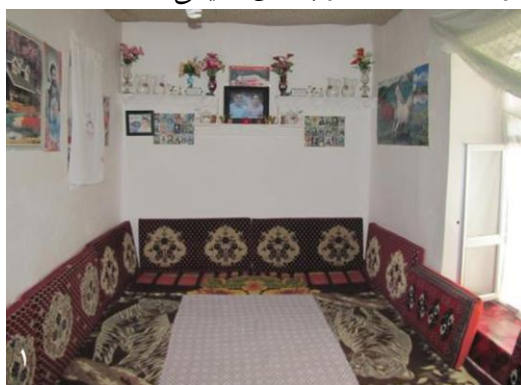
برگردان: پدرم چهار عروس دارد که هر چهار نفر به یک اندازه و شکل‌اند (چهارگوش اتاق)، اشاره به تقارن و چهاروجهی منتظم بودن اتاق که اغلب مستطیل و خوش تناسب است.

بایاتی:

یاریمین آغ اوتاقی ایچینده گول بوداگی
نییه بیزه گلمیرسن؟ آی دردیمین اورتاگی
(همان، ۷۶۳)

برگردان: اتاقی به رنگ سفید و پر از بوته‌های گل مخصوص یارم است. ای چاره دردهای من چرا به سوی من نمی‌آیی؟
ضرب‌المثل:

- گون گیرمه‌ین اوتا‌قا حکیم گیرر (وفایی، ۱۳۷۴: ۱۸۳).
- برگردان: اتاقی که نور خورشید بدان نرسد، حکیم باید بدان برسد.
- آغ دامی گوروب قارا دامی یان‌دیرمازلار (همان، ۱۷).
- برگردان: بنای سفید و تازه را دیدند و بنای سیاه و قدیمی را تخریب نمی‌کنند (توجه به مرمت بناها و استفاده مجدد از بناهای قدیمی).



تصویر ۷: تالار بالاخانه (پوخاری‌باش)، اتاق مخصوص مهمان (۱). تحلیل طبقات خانه آقای آقایان، طبقه همکف (۲-۱)، طبقه اول (۲-۲). (مأخذ: نگارنده دوم).

جستاری در تعامل فرهنگ عامه و معماری: بازتاب معماری بومی... _____ الهام اندرودی و همکار

۴-۵. عناصر معمارانه و جزئیات داخلی، ساختار و سازه

جزئیات ساختاری و فضای داخل خانه در سروده‌های زیر تشریح شده‌اند (تصویر ۸).



تصویر ۸: مبلمان داخلی نشیمن خصوصی خانه آقایان (۱)، ارتفاع کم پنجره جهت امکان دید در حالت نشسته (۲)، گستره دید ورودی خانه به بیرون (۳). (مأخذ: نگارنده دوم).

تاپماجا:

– تاپ تاپی گوتورر، تاپ بالاسین گوتورر، بالاسی یارپاق گوتورر، یارپاق توپراق گوتورر. «دیره‌ک، پردی، حصیر» (مصاحبه شفاهی، ۱۳۹۴).
برگردان: چوب چوب را حمل می‌کند و آن چوب بچه خودش را، بچه‌اش برگ حمل می‌کند، برگ خاک حمل می‌کند (ستون چوبی، شاه‌تیر، حصیر).
این معما سازه یک بنا در این منطقه را توصیف می‌کند. دیرک چوبی شاه‌تیر چوبی را حمل می‌کند. شاه‌تیر تیرهای فرعی را. بر روی این تیرها حصیر قرار دارد که خاک روی خود را حمل می‌کند (پخش نیرو و پوشش). سقف بناها صاف با بام پوشیده از خاک کوبیده‌اند.

ضرب‌المثل:

- دام دیره‌ک سیز اولماز، طویله کوره‌ک سیز اولماز (مصاحبه شفاهی، ۱۳۹۴).
برگردان: خانه بدون دیرک (ستون) نمی‌شود، همچنان‌که طویله بدون پارو نیست.
- دیوار گرگ بنادان قتییم اولا (وفایی، ۱۳۷۴: ۱۱۳).
برگردان: دیوار باید از لحظه شروع ساختن با خشت اول، ضخیم و مناسب باری که قرار است حمل کند، بنا شود.

بایاتی:

آچیق قوی پنجره‌نی، گؤزوم گؤرسون گلنی،
نئجه قبره قویارلار؟ یار دردینن اولنی
(مصاحبه شفاهی، ۱۳۹۴)

برگردان: پنجره را باز نگه دار؛ زیرا می‌خواهم کسی را که می‌آید ببینم (گستره دید
تا ورودی خانه و در مواردی حتی مناطق بیرون حیاط و کوچه را شامل می‌شود).
چگونه دلشان می‌آید کسی را که از درد هجران یار مرده است تنهایی در قبر بگذارند.
اوتاقدا ایپک خالچا، کیم قاتلایا، کیم آچا؟
قوربان اولوم یاریمما گولدوره گؤلوم آچا
(احمدی، ۱۳۸۸: ۱۱۳)

برگردان: قالیچه ابریشمی در اتاق پهن است. چه کسی آن را جمع می‌کند، چه کسی
آن را دوباره پهن می‌کند؟ (اشاره به پهن کردن قالیچه با ارزش برای حضور مهمان).
قربان یارم شوم که که همیشه مرا شاد می‌کند.

پنجره نین میللری آچیب گیزیل گؤللری،
اوغلانی یولدان ائیلر قیزین شیرین دیللری
(همان، ۷۲۳)

برگردان: بر روی نرده‌های پنجره گل‌های محمدی شکوفا شده است.

ضرب‌المثل:

- ائوین بزه‌کی اوجاق دیر (وفایی، ۱۳۷۴: ۵۴).
برگردان: اجاق (شومینه) تزئین اصلی داخل خانه است.

جستاری در تعامل فرهنگ عامه و معماری: بازتاب معماری بومی... _____ الهام اندرودی و همکار

ناپماجا:

- بوردان ووردوم هیندوستانا دؤرد قاپویا دؤرد آستانا «کورسی» (مصاحبه شفاهی، ۱۳۹۴).

برگردان: از اینجا به هندوستان می‌رسد (گرما)، چهار در برای چهار آستانه دارد (کرسی). به برپا کردن کرسی در فصل سرما اشاره دارد.

- دام دالیندا آت کیشنر «نودان» (مصاحبه شفاهی، ۱۳۹۴).

برگردان: پشت خانه اسب شیهه می‌کشد (ناودانی) (معمولاً محل قرارگیری ناودان در پشت خانه بوده است تا در هنگام یخبندان مشکل ایجاد نکند).

۶. نتیجه

جمع‌بندی صفات معماری بومی که در ادبیات شفاهی و فولکلور آذربایجان بازتابیده شده است، مشخصه‌های کالبدی گوناگون را با بیانی شاعرانه به ما معرفی می‌کند. برای مثال سروده‌ها شکل پلکانی روستا را با بایاتی در حسرت ماندن از دیدن یار، دید و منظر سربسز را با ضرب‌المثل سیل گیر بودن روستای پردرخت، پیوستگی منظر با فضای خصوصی داخل خانه با کمک پنجره‌های گشوده را با بایاتی باز بودن پنجره برای دیدن جانان، فضای جمعی تقویت‌شده با کمک ایوان‌ها و پشت بام‌ها را با بایاتی خشک کردن گل سرخ و گندم، فضا سازی بخش‌های مختلف داخل خانه، جزئیات و تزیینات را با بایاتی اتاق سفید پر گل برای یار و مصالح محلی و بوم‌آورد را با چیستان تشبیه سقف خانه به درخت توصیف کرده‌اند. بدین ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که سرایندگان ادبیات شفاهی فضای زندگی را با عواطف خود پیوند زده و به جزئیات کالبدی معنایی نغز و لطیف یا پرابهام و سربسته بخشیده‌اند. خصوصیات کالبدی معماری بومی در روستاهای آذربایجان به‌طور مستقیم بر ادبیات شفاهی تأثیر گذاشته و ارزش‌های غیرملموس معماری بومی با زبان سروده‌های عامیانه بازگو شده است.

جدول ۱: فضا سازی ادبیات شفاهی از بافت روستایی آذربایجان

درصد فراوانی سروده ها	توصیف متقابل	نمونه سروده شفاهی	خصیصه های معماری بومی
۱۶٪	به شکل پلکانی واقع در دامنه کوه رو به جنوب و مزارع کشاورزی	بایاتی: رو کردن خانه ها به سمت دشت و ماندن در حسرت دیدن یار	ریخت کلی در پیوستگی با طبیعت
۸٪	دید و منظر آمیخته با فضاهای سبز و طبیعت	ضرب المثل: سیل گیر بودن روستای پردرخت بایاتی: روییدن نعنای بر سر راه یار	ادغام با طبیعت و دید و منظر سبز
۵٪	پنجره های گشوده به منظر سبز و یا سکوی استراحت دم در	بایاتی: باز بودن پنجره برای نگریستن به جانان یا به دست آوردن سیب طلا در سکوی دم در	پیوستگی فضای جمعی و فردی
۱۶٪	وجود فضاهای باز و نیمه باز ایوان ها و پشت بام ها	بایاتی: خشک کردن گل سرخ در ایوان و خشک کردن گندم در پشت بام بایاتی: نگریستن به یار از ایوان، یا ایوان پر از گل سنبل و شکوفه	تقویت فضای جمعی در معماری مسکونی
۲۷٪	دارای حوزه ورودی، خدماتی و طویله در هم کف و مسکونی در طبقات	بایاتی: وجود زیر زمین در پایین و اتاق در بالا، و وزیدن باد و ماندن در غم جدایی ضرب المثل: نهی در بسته (یک عیب) ودیدن داخل خانه	تفکیک فعالیت های داخل خانه

جستاری در تعامل فرهنگ عامه و معماری: بازتاب معماری بومی... _____ الهام اندرودی و همکار

	(هزار عیب)	
جزئیات و تزیینات خانه	ضرب المثل: خانه همانند گنج و مایه آرامش ساکنان. بایاتی: اتاق سفید پر از بوته گل برای یار. چیستان: کرسی چهارگوش گرما بخش داخل اتاق	۱۸٪ اتاق سفید، فرش برای مهمان و یا جزئیات به- عنوان مبلمان تزیینی (کرسی و اجاق)
استفاده از مصالح بوم آورد	چیستان: سقف خانه مثل تنه، شاخه، برگ و خاک یک درخت. ضرب المثل: نفی خانه بدون دیرک (مثل طویله بدون پارو)، خانه با دیوار نازک، و اتاقی که نور بدان نرسد (حکیم به این اتاق می رسد).	۱۰٪ دیوارهای سنگی محکم شده با قطعات چوب، سقف چوبی و پوشیده شده با شاخه درخت و گل

تحلیل کمی تعداد سروده‌هایی که به وصف هر یک از این خصیصه‌ها پرداخته‌اند می‌تواند اهمیت هر یک را در ذهن مردم بومی آشکار کند و برتری آن‌ها را به ما نشان دهد. در جدول شماره ۱ درصد فراوانی هر یک از خصیصه‌های معماری بومی توجه به مجموع حدود ۴۰۰ سروده فیش برداری شده، ارائه شده است. برای مثال مقایسه درصد فراوانی بایاتی‌هایی که به خانه و فضای آن اختصاص داده شده است (۷۳ درصد) چنین نشان می‌دهد که خانه به عنوان قلب زندگی روستایی شاهد حالات متفاوتی از جریان زندگی بوده و سهم مهمی در شکل دادن به خاطره‌ها و داستان‌ها در ذهن مردم داشته است. بدین ترتیب بخش‌های فضایی (همانند اتاق و دالان) و حتی تزیینات و جزئیات آن (همانند کرسی، اجاق و ناودان) الهام بخش سروده‌های مختلفی بوده است. بنابراین، در نتیجه‌گیری می‌توان گفت که میان دو جلوه مختلف فرهنگی

یعنی ادبیات شفاهی و معماری بومی در آذربایجان ارتباط محکمی وجود دارد. چنین به نظر می‌رسد که مردم بومی به فضاها ارزش بخشیده و آن را از حالت نیاز عملکردی صرف به فضای با هویت منعکس‌کننده گوهر زندگی تبدیل کرده‌اند. این تحقیق ارزش سروده‌های شفاهی آذربایجان را به عنوان سندی برای توصیف زیبایی فضای زندگی در پیوند با معماری بومی به تصویر کشیده است.

رویکرد آتی پژوهش مطالعه وضع موجود پیوند میان ادبیات شفاهی و معماری بومی آذربایجان است. هنگام انجام برداشت‌های میدانی در روستای کورن صفات معرفی شده در سروده‌های عامیانه در معماری جدید (اگر ساخت و سازهای تقلیدی و بی‌هویت را بتوان معماری نامید) فراموش شده و ساختارهای جدید خود را به معماری بدون هویت و بدون مکان و زمان مدرن شهری نزدیک کرده بودند (تصویر ۹). همچنین، بر اساس مصاحبه‌های انجام‌یافته، نسل قدیم آذربایجان بایاتی‌ها، مثل‌ها، و چیستان‌ها را به خاطر دارند و در مکالمه خود به کار می‌بندند؛ صفتی که در جوانان کم‌رنگ شده بود. علت‌یابی این موضوع با رویکرد یکپارچه‌نگر نسبت به مظاهر مختلف فرهنگی برای حفاظت از بقا و پایداری فرهنگ عامه اقوام ایرانی از جمله منطقه آذربایجان ضروری به نظر می‌رسد.



جستاری در تعامل فرهنگ عامه و معماری: بازتاب معماری بومی... _____ الهام اندرودی و همکار



تصویر ۹: خانه‌های تازه‌ساخت روستا با سازه بتنی و نمای آجر سه سانتی (۱، ۲) (مأخذ: نگارنده دوم). مسجد تازه‌ساخت روستا با نمای سنگ (۳) (مأخذ: سیروس محمدیان).

قدردانی

این پژوهش از راهنمایی ارزنده اساتید بزرگوار آقای دکتر مهدی حجت و آقای سید محمد بهشتی بهره برده است. در این پژوهش افراد مختلفی در هماهنگی و برداشت‌ها ما را یاری کرده‌اند. در اینجا از خانم شیما عزیزی برای جمع‌آوری اطلاعات مرتبط با تعاریف پایه فرهنگ، آقایان آیدین برزویی، برای هماهنگی با دهیاری روستا و همکاری در پروژه، خانواده آقایان و تمامی اهالی روستای کورن که در تهیه عکس‌ها و مصاحبه‌ها بیشترین همکاری را به عمل رساندند، تشکر می‌شود. همچنین، از زحمات بی دریغ آقای داود شیخی اینانلو که در جمع‌آوری ادبیات شفاهی و تحلیل آن‌ها ما را یاری کردند، سپاسگذاریم.

پی‌نوشت‌ها

1. injar
2. niq
3. Kuran
4. Hovay
۵. میان کوه‌های قاپلی داش و بابا داغی در غرب، مدیلی در شمال، دیک داش و یا بدل در شرق و کورن داغی در جنوب قرار گرفته است (در فاصله ۳۵ کیلومتری شمال شرق شهر هوراند).
6. Sir Edward Burnett Tylor
7. Edwin Hardin Sutherland
8. Woodward
9. vernacular architecture
10. folk

11. lor

۱۲. محمد رحمانی فر از جمله مهم‌ترین این علل را نحوه تشکیل لهجه آذربایجان می‌داند؛ زیرا از ادغام مهاجران اوغوز سلجوقی با قبچاق‌ها و خزرها و اوغوزهای پیشین ساکن در آذربایجان، زبان ترکی آذربایجان امروزی به‌وجود آمد (رحمانی فر، ۱۳۷۹: ۱۲۸).

13. stepped village

منابع

- آشوری، داریوش (۱۳۸۶). تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ. تهران: آگاه.
- آلپاگونولو، آدریانو و همکاران (۱۳۸۴). معماری بومی، انجمن فرهنگی ایتالیا. تهران.
- ترجمه علی محمد سادات افسری. تهران: مؤسسه علمی فرهنگی فضا.
- احمدی، ناصر (۱۳۸۸). تورک بایاتی‌لاری. تهران: تک درخت.
- امین، سیدحسین (۱۳۹۱). «تعامل معماری و شعر فارسی». کتاب ماه هنر. ش ۵۳-۵۴. صص ۱۹-۲۴.
- بهشتی، سیدمحمد (۱۳۸۷). «غزل باغ ایرانی». گلستان هنر. ش ۱۱. صص ۸-۱۲.
- بهشتی، سیدمحمد (۱۳۹۴). «کارنامه مدیریت سرزمینی: پیروی از «اشه» یا «دروغ»؟!». نخستین همایش ملی میراث فرهنگی و توسعه پایدار. تهران: موزه ملی ایران.
- بیهقی، حسینعلی (۱۳۶۵). پژوهش و بررسی فرهنگ عامه ایران. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- پناهی سمنانی، حسین (۱۳۸۰). «فرهنگ عامه». دانش و مردم. ش ۲. صص ۲۰۵-۲۰۷.
- جعفری، محمدتقی (۱۳۷۸). فرهنگ پیرو فرهنگ پیشرو. تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
- حسینی‌زاده مهرجردی، سعیده و آسیه ذبیح‌نیا عمران (۱۳۹۲). «بررسی معماری استحکامات در سفرنامه ناصر خسرو». پژوهش‌های ادبی و بلاغی. د ۱. ش ۴. صص ۱۱۲-۱۲۵.
- دیباج، موسی (۱۳۸۲). شعر و خانه ما: تحقیق در معماری و ادب معاصر. تهران: پیوند نو.
- راهب، غزاله (۱۳۹۳). «گونه‌شناسی پهنه‌های شکل‌گیری مسکن در سکونتگاه‌های روستایی ایران در تعامل با عوامل محیطی». هنرهای زیبا، معماری و شهرسازی. د ۱۹. ش ۴. صص ۸۷-۱۰۰.

جستاری در تعامل فرهنگ عامه و معماری: بازتاب معماری بومی... _____ الهام اندرودی و همکار

- رحمانی فر، محمد (۱۳۷۹). *نگاهی نوین به تاریخ دیرین ترک‌های ایران*. تبریز: مؤسسه نشر اختر.
- روشن، حسن (۱۳۵۸). *ادبیات شفاهی مردم آذربایجان*. تهران: دنیا.
- زرگر، اکبر (۱۳۹۰). *درآمدی بر شناخت معماری روستایی ایران*. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- سروری، اعظم و نورالدین پیدا (۱۳۹۴). «بررسی و تحلیل فرهنگ عامیانه (فولکلور) در اشعار ترکی عاصم اردبیلی». *همایش بین‌المللی جستارهای ادبی، زبان و ارتباطات فرهنگی*. تهران
- سلطان‌زاده، حسین (۱۳۷۷). *معماری و شهرسازی ایران به روایت شاهنامه فردوسی*. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- شایسته‌فر، مهناز (۱۳۸۸). «تعامل معماری و شعر فارسی در بناهای عصر تیموری و صفوی». *مطالعات هنر اسلامی*. ش ۱۱. صص ۷۹-۱۰۴.
- شایگان، داریوش (۱۳۹۳). *پنج اقلیم حضور (فردوسی، خیام، مولوی، سعدی، حافظ)*: بحثی درباره شاعرانگی ایرانیان. تهران: فرهنگ معاصر.
- طبسی، محسن (۱۳۹۵). «حمام‌ها در ضرب‌المثل‌های فارسی». *فرهنگ و ادبیات عامه*. د ۴. ش ۱۱. صص ۱۲۹-۱۵۲.
- فلامکی، محمدمنصور (۱۳۸۵). *شکل‌گیری معماری در تجارب ایران و غرب*. تهران: مؤسسه علمی و فرهنگی فضا.
- کریمی، محمدرضا (۱۳۸۸). *ادبیات شفاهی آذربایجان*. تهران: تکدرخت.
- نقابی، محبوبه (۱۳۹۳). «معماری بومی پایدار در منطقه آذربایجان شرقی با مطالعه موردی». *دومین کنگره بین‌المللی سازه، معماری و توسعه شهری*. تبریز: دبیرخانه دائمی کنگره بین‌المللی سازه، معماری و توسعه شهری.
- وفایی، زهره (۱۳۷۴). *فولکلور گنجینه سی*. ج ۴. ضرب‌المثل لر. چ ۱. تبریز: زینب.
- ICOMOS (1999). "Charter on the Built Vernacular Heritage". *Ratified by the ICOMOS 12th General Assembly*. Mexico: October 1999.
- Rudofsky Bernard (1964). *Architecture without Architects: A Short Introduction to Non-Pedigreed Architecture*. Doubleday & Company. Inc. Garden City: New York
- Nas, Peter J.M. (2002). "Masterpieces of Oral and Intangible Culture: Reflections on the UNESCO World Heritage List". *Current Anthropology* . Vol. 43. No. 1. pp. 139-148.

An essay on the interaction of folk culture and architecture: the reflection of local architecture in Azerbaijan oral literature

Elham Andaroudi^{*1}, Mohammad Sheikhi Ilanlou²

1. Assistant Professor / Department of Architecture / Faculty of Fine Arts Campus / Tehran University.

2. Mohammad Sheikhi Ilanlou / M.Sc. in Iranian Architectural Studies / Faculty of Architecture / Fine Arts Campus / Tehran University.

Receive: 1/10/2017 Accept: 06/08/2018

Abstract

Public culture reflects the beliefs and customs of people who interact with aboriginal lifestyles in various manifestations, including oral literature. In addition, local architecture has been developed in interaction with society and the natural environment and has common roots with popular culture. By adopting an interdisciplinary approach, the current research seeks to investigate popular culture and local architecture. The aim of this research is to scrutinize the reflection of local architecture in popular Azerbaijani poetry. To this end, more than 2,500 samples of couplets, riddles and proverbs have been studied, and the poems that describe the native architecture have been analyzed. Thus, based on field observations of selected villages, this research has described the features of local architecture in terms of landscape, texture of stairs and common areas, sections and house elements, as well as structure and details of the space of the poems. The compilation of the results shows that the space of the house, like the heart of life, with its elements and parts, has the highest frequency of the subject among the poems. The research has concluded that in popular poems, the physical characteristics of local architecture are poetically or metaphorically described. It seems that musicians have perceived the intangible values of spaces and translated them beyond the function or the physical body into a reflection of the culture of the ecosystem. This research highlights the need for an integrated approach to the preservation of cultural manifestations in forthcoming approach, with the problem of diminishing the characteristics described in the poems of Azerbaijan's new indigenous architecture and progressive oblivion of poems in the spirit of the new generation.

Keywords: Popular culture, Local architecture, Oral Literature of Azerbaijan, Folk songs, Stair village

^{*}Corresponding Author's E-mail: andaroodi@ut.ac.ir